

او چگونه با خودش حرف می‌زد،
انگار شعری از حفظ می‌خواند

هاروکی موراکامی

ترجمه

ناهید سیده تفرشی خامنه

نشر و انیا



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی

.....

Murakami, Haruki

سرشناسه: موراکامی، هاروکی، ۱۹۴۹- م.

عنوان و نام پدید آور: او چگونه با خودش حرف می‌زد، انگار شعری از حفظ می‌خواند /

هاروکی موراکامی؛ ترجمه ناهید سیده تفرشی خامنه.

شابک: ۱-۶-۹۱۸۲۶-۶۰۰-۹۷۸

مشخصات نشر: تهران: وائپا، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: اصل اثر به زبان ژاپنی است و کتاب حاضر از متن انگلیسی عنوان

"Blind willow, sleeping woman: twenty-four stories"

شناسه افزوده: سیده تفرشی خامنه، ناهید، مترجم

رده بندی دبیوی: ۸۹۵/۶۳۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۵۶۸۷۲

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ الف و ۸۶۲/۲۱۵۶۸۷۲



نشر و انیا

او چگونه با خودش حرف می‌زد،
انگار شعری از حفظ می‌خواند

نویسنده: هاروکی موراکامی

مترجم: ناهید سیده تفرشی خامنه

چاپ اول: تهران ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۸۳۶-۶-۱

حروفچینی و صفحه آرایی: سیما آینه‌چی

ناظر فنی: ابوالفضل محمدی

قیمت: ۳۸۰۰۰ ریال

مرکز پخش: ۳۳۳۲۷۲۴۱

۰۹۱۲۳۲۲۴۹۱۳ - علیرزاده - ۰۹۱۲۱۸۶۶۵۵۸ - بیجا

۳	مقدمه ناشر
۷	مرد هفتم
۳۳	جایی که ممکن است پیدایش کنم
۶۷	بعد از زلزله
۸۱	یک روز عالی برای کانگوروها
۸۹	داستان یک خاله بینوا

مقدمه‌ی ناشر

موراکامی در ۱۲ ژانویه ۱۹۴۹ در کیوتو ژاپن به دنیا آمد. در سال ۱۹۶۸ به دانشگاه هنرهای نمایشی واسدا رفت. در سال ۱۹۷۱ با همسرش یوکو ازدواج کرد و به گفته خودش در آوریل سال ۱۹۷۴ در هنگام تماشای یک مسابقه بیسبال، ایده اولین کتابش به *آواز باد* گوش بسیار به ذهنش رسید. در همان سال یک بار جاز در کوکوبونجی توکیو گشود. در سال ۱۹۷۹ اولین رمانش به *آواز باد* گوش بسیار منتشر شد و در همان سال جایزه نویسنده جدید گونزو را دریافت کرد و در سال ۱۹۸۰ رمان *پینبال* (اولین قسمت از سه *گانه موش صحرایی*) را منتشر کرد. در سال ۱۹۸۱ بار جازش را فروخت و نویسندگی را پیشه حرفه‌ای خودش کرد. در سال ۱۹۸۲، رمان تعقیب گوسفند وحشی از او منتشر شد که در همان سال جایزه ادبی نوما را دریافت کرد. در اکتبر ۱۹۸۴ به شهر کوچک فوجیتساوا در نزدیکی کیوتو نقل مکان کرد و در سال ۱۹۸۵ به سنداگایا. در سال ۱۹۸۵، کتاب سرزمین عجایب و پایان جهان را منتشر کرد که جایزه جونپچی را گرفت. در سال ۱۹۹۱ به پرینستون نقل مکان کرد و در دانشگاه پرینستون به تدریس پرداخت. در سال ۱۹۹۳ به شهر سانتا آنا در ایالت کالیفرنیا رفت و در دانشگاه هاوارد تفت به تدریس مشغول شد. او در سال ۱۹۹۶ جایزه یومیوری را گرفت و در

سال ۱۹۹۷ رمان زیرزمینی را منتشر کرد و در سال ۲۰۰۱ به ژاپن بازگشت.

موراکامی در دانشگاه توکیو در رشته ی ادبیات انگلیسی درس خوانده است. وی اهل ورزش، شنا و موسیقی نیز هست. تسلطش به ورزش و موسیقی در جای جای آثارش نیز مشهود است. هاروکی موراکامی ترجمه ی محدوده بیست رمان از آثار مدرن آمریکا را نیز انجام داده است. به دلیل ترجمه ی آثار سلینجر، برخی بر این عقیده اند که آثار موراکامی تحت تأثیر سلینجر و همینگوی نیز بوده است.

هاروکی موراکامی، بی شک از نویسندگان خوب ژاپن است. نویسنده ای که قالب های عادی را شکسته و ذهنش را رها کرده است. او را گوشه گیرترین انسان جهان نیز توصیف کرده اند. کتاب کافکا در کرانه او، انگار جورچینی است که سازنده اش با شیطننت قطعاتی از آن را پنهان کرده تا خواننده به جستجویش رود. پنداری که معمای ذن است، پرسشی است بی پاسخ... انگار الهامی است که با موسیقی و ورزش آمیخته است. موراکامی، خود در مورد نوشتارش می گوید: "هرگز طرح نمی ریزم. هرگز نمی دانم صفحه ی بعد چطور از آب در می آید... من به جستجوی نوایی پس از نوایی دیگر هستم. گاهی که شروع می کنم، نمی توانم دست بکشم. مثل آبی است که از چشمه ای می جوشد. بسیار طبیعی و آسان جاری می شود".

در نوشته های وی فقدان جریان دارد، نبود مادرو زن های گمشده نیز به طور مکرر دیده می شود. یکی دیگر از دغدغه های مکرر رمان های موراکامی، ایده ی لایبرنت «هزارتو» است. شخصیت های او همواره در جستجوی گمشده ای هستند.

در ژاپن دقیقا دو دسته آدم وجود دارند. آدم‌هایی که مورااکامی و آثارش را دوست دارند و آدم‌هایی که از او متنفرند و او را غربی می‌دانند. نسل جوان ژاپن ستایش‌کنندگان اصلی هاروکی مورااکامی هستند. مورااکامی از واقعه «می ۶۸» و جنبش‌های دانشجویی بسیار تاثیر گرفته است و در رمان‌هایش نیز از آن بارها نام برده است.

والدین مورااکامی استاد ادبیات ژاپنی بوده‌اند. با این حال وی زیاد از ادبیات ژاپن خوش‌اش نمی‌آمده و ترجیح می‌داده داستان‌های عامه‌پسند کوچه و خیابان را بخواند. وی از طرفداران شدید موسیقی غربی بوده و هست و از داستان‌های فرمال «میشیما» نویسنده معروف ژاپنی متنفر است. وی در سال ۱۹۸۷ با انتشار «جنگل نروژی» در ژاپن بسیار معروف شد. از شهرت بیزار بود و به همین خاطر کشور را ترک کرد و به آمریکا رفت. یک هفته نامه ژاپنی در همان ایام، با اعلام این خبر نوشت: «هاروکی مورااکامی از ژاپن فرار کرد.» با این حال آثار مورااکامی به شدت درباره کشورش است و بیشتر آن‌ها در کشورش می‌گذرد و درباره مشکلات ژاپنی‌هاست. وی در این باره می‌گوید: «پیش از آنکه نویسنده‌ای تبعیدی باشم، نویسنده‌ای ژاپنی هستم. ژاپن خاک و ریشه من است. آدم نمی‌تواند از وطن‌اش فرار کند.»

جدای فروش میلیونی آثارش در ژاپن، نویسندگان و چهره‌های زیادی در جهان طرفدار آثار مورااکامی هستند. «سوفیا کوپولا» در ساخت «گمشده در ترجمه» از رمان‌های مورااکامی بهره برده است و «دیوید میچل» نیز که تا به حال دو بار نامزد بوکر بوده، درس زیادی از او گرفته است. «میچل» رمان «رویای شماره نه» خود را حسایی مدیون «جنگل نروژی» می‌داند چرا که هر دو بر اساس عنوان‌هایی از آهنگ‌های بیتلز نام گرفته‌اند.